



The Anxiety of Technology's Dominion over Humanity in Science Fiction: A Case Study of Number 9 Commands You and Beware... He Comes

Ali Salimi ^{*1}, Leila Yavari, ² Maryam Rahmati, ³ Ali Doodman Kooshki ⁴

¹Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

²Master in Arabic language and literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

³Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

⁴Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:

24/05/2024

Accepted:

03/08/2024

Nowadays, In recent years, the writing of science-fiction stories has become popular in contemporary Arabic literature and many works have been written in this field. In the Arab world, the Egyptian writer Nihad Sharif has been called the father of this literary genre. The collection of stories "Number 4 Yamerkam" has recounted the author's human and social concerns in the form of ten short stories. The present research has analyzed the content of two stories from this series with a descriptive-analytical method and aims to answer the question of what the author's focus is on in these fictional stories and how his concerns about the future of mankind are represented. Is? The results of the research indicate that the author has reproduced an image of the dangers of scientific and technological advances in these fictional stories. He is extremely worried about the forgetting of moral values in the shadow of the rapid growth of new technologies, so that drawing a future with the spread of the destructive use of these technologies, his science-fiction stories are in the field of texts. Social criticism has approached.

. **Keywords:** science fiction genre, contemporary Egyptian literature, Nihad Sharif, number 4 of Yamerkam.

Cite this article: Salimi ,A. Yavari,L. Rahmati,M. Doodman Kooshki,A. (2024). *The Anxiety of Technology's Dominion over Humanity in Science Fiction: A Case Study of Number 9 Commands You and Beware... He Comes*. year 1. issue 2. Pp 51-70.
doi: 10.22034/jisall.2025.202961

© The Author(s)

Publisher: University of Zabol



*Corresponding Author: Ali Salimi

Address : Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

E-mail: a.salimi@razi.ac.ir



دل‌نگرانی از سیطره تکنولوژی برانسان در داستان‌های علمی-تخیلی نهاد شریف: بررسی

موردی: «رقم ۴ یامرکم» و «حذار.. اینه قادم»

علی سلیمی^{۱*}، لیلا یآوری^۲، مریم رحمتی^۳، علی دودمان کوشکی^۴

^۱ استاد، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

^۳ استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

^۴ استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳/۰۳/۰۴

پذیرش:

۱۴۰۳/۰۵/۱۳

طی سالیان اخیر، نگارش داستان‌های علمی-تخیلی در ادب معاصر عربی رواج یافته و آثار زیادی در این زمینه به رشته تحریر در آورده است. در جهان عرب، نهاد شریف نویسنده مصری را پدر این گونه ادبی نامیده‌اند. مجموعه داستانی «رقم ۴ یامرکم» در قالب ده داستان کوتاه، دغدغه‌های انسانی، اجتماعی نویسنده را بازگو نموده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، محتوای دو داستان از این مجموعه را بررسی نموده و در صدد پاسخ به این پرسش است که تمرکز نویسنده در این داستان‌های تخیلی بر چیست و نگرانی‌های او نسبت به آینده بشر، چه گونه بازنمایی شده است؟ نتایج پژوهش حاکی از آن است که نویسنده در این داستان‌های تخیلی، تصویری از مخاطرات پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی را بازتولید نموده است. او از فراموش شدن ارزش‌های اخلاقی، در سایه رشد سریع فناوری‌های جدید، به شدت نگران است، به طوری که ترسیم آینده‌ای با گسترش کاربرد مخرب این فناوری‌ها، داستان‌های علمی-تخیلی وی را به حوزه متون نقد اجتماعی نزدیک نموده است.

کلمات کلیدی: ژانر علمی تخیلی، ادبیات معاصر مصر، نهاد شریف، رقم ۴ یامرکم

استناد: سلیمی، ع. یآوری، ل. رحمتی، م. دودمان کوشکی، ع. (۱۴۰۳). دل‌نگرانی از سیطره تکنولوژی برانسان در داستان‌های علمی-تخیلی نهاد شریف: بررسی موردی: «رقم ۴ یامرکم» و «حذار.. اینه قادم»، دوره ۱، شماره ۲، صص ۵۱-۷۰.

doi: 10.22034/jisall.2025.202961

شماره ۲، صص ۵۱-۷۰.

حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه زابل



۱. مقدمه

امروزه دنیای معاصر، در قرون اخیر، با پیروزی انقلاب صنعتی و در پی آن پیشرفت علوم و تکنولوژی و سیاست‌های جهانی در استفاده از منابع محیطی، دستخوش تغییراتی نوین شده که این تحولات، ادبیات را نیز تحت تأثیر خود درآورده است؛ یکی از حوزه‌های این تغییرات، ادبیات داستانی است که با بروز تغییرات گسترده در حوزه‌ی علم و فناوری، مضامین و خط مشی ادبیات داستانی تغییر کرد و نسلی از داستان‌ها با رویکرد علمی-تخیلی پا به عرصه وجود نهاد و همچنان همراه با تحولات علمی و تکنولوژی به مسیر خود ادامه داده و امروزه به فن ادبی پر طرفدار و مستقلی تبدیل شده است. به دلیل پیشرفت‌های لحظه به لحظه علم و فناوری در دنیای پیشرفته امروزی، این ژانر ادبی جایگاه خاصی در میان خوانندگان خود در ادبیات ملت‌های مختلف به دست آورده است. خالق اثر علمی-تخیلی از دنیایی سخن می‌گوید که با پیشرفت روزافزون علم و تکنولوژی، به واقعیت پیوستن آن قریب الوقوع است.

«نهاد شریف» نویسنده معاصر مصری- بنیان‌گذار پیشوای ادبیات علمی-تخیلی در دنیای معاصر عرب به شمار می‌آید؛ او رمان‌ها و قصه‌های کوتاه فراوانی در این ژانر ادبی به رشته تحریر درآورده و به شکلی ویژه، تأثیرات پیشرفت علم و تکنولوژی را بر انسان معاصر بررسی می‌کند و آلام و آرزوهای بشر را در افق‌های ناشناخته‌ی آینده به تصویر می‌کشد. مقاله حاضر سعی دارد ضمن ارائه مختصری کلی از سیر تطور این گونه ادبی در ادبیات عربی و معرفی نهاد شریف به عنوان پیشوا و پیشگام این گونه ادبی، به صورت موردی، به بررسی عناصر و مضامین دو داستان کوتاه علمی-تخیلی وی «رقم ۴ یا مرکم، و حذار.. إنه قادم» بپردازد تا از خلال آن به این پرسش پاسخ گوید که که تمرکز نویسنده در این داستان-های تخیلی بر چیست و نگرانی‌های او نسبت به آینده بشر، چه گونه بازگو شده است؟

طرح موضوع پژوهش

اگرچه ادبیات علمی-تخیلی امروزه یک فن ادبی پر طرفدار و مستقل است اما در خصوص تعریف آن اختلاف نظر زیادی وجود دارد و تاکنون یک تعریف واحد برای آن ارائه نشده است. برخی آن را «از جمله انواع ادبی می‌دانند که بر پایه خیال علمی استوار است و منظور از خیال علمی همان تصورات، نظریات و فرضیه‌های علمی، فیزیکی، بیوبوژیک و فضایی است که بر قواعد علمی تکیه دارد» (عبد الحنان، ۲۰۱۸: ۱) برخی دیگر معتقدند «ادبیات علمی-تخیلی نوعی از آمیختگی و مصالحه بین ادبیات و علم است که اولی (ادبیات) بر اساس خیال و دومی (علم) بر مبنای تجربه تعمیم کلیات و دستیابی به قوانین مشخص است» (شریف، ۲۰۰۸: ۱۳). به صورت کلی ادبیات علمی-تخیلی یکی از فنون است که ارتباط تنگاتنگ و گسترده‌ای با زندگی بشر دارد تا جایی که عده‌ای به درستی «ادبیات علمی-تخیلی را یکی از انسانی‌ترین شاخه‌های ادبیات داستانی می‌دانند» (قصاع، ۱۳۷۸: ۱۴۶). بنابراین داستان علمی-تخیلی عنصر علم را از دستاوردهای علمی بشر برگرفته و آن را با عنصر خیال ادبی در آمیخته و آینده بشر و تغییر و تحولات عرصه علم و فناوری را قبل از به وقوع پیوستن پیش بینی می‌کند.

برخی پژوهشگران معتقدند که اسطوره اولین تولید ادبی است که باعث ارتباط انسان با جهان پیرامونش گشته، لذا اسطوره را به عنوان ریشه حقیقی ادبیات علمی - تخیلی به حساب می‌آورند (قدری، ۲۰۱۸: ۱) از لحاظ لغوی می‌توان گفت که این سبک، نام امروزی و رایج خود را مدیون هوگو گرنزبرگ^۱ است. گرنزبرگ سر دبیر مجله‌ای بنام داستان‌های علمی بود که در سال (۱۹۲۶م) فعالیت داشت و چند سال بعد نام «داستان تخیلی- علمی» را برای مجله مشهورش برگزید (فولادی، ۱۳۷۷: ۱۲). از آنجا که ادبیات داستانی انعکاسی از تغییرات و حوادث عصر نویسنده است می‌توان به دو اتفاق و تغییر محسوس به عنوان اولین جرقه پیدایش داستان‌های علمی- تخیلی به عنوان سبکی جدید اشاره کرد؛ ورود دنیا به عصر اتم بعد از جنگ جهانی دوم و پرتاب اولین موشک فضایی توسط شوروی سابق به سال ۱۹۵۷ میلادی (عبدالملک، ۱۳۷۷: ۸۴). این دو حادثه و همچنین انقلاب صنعتی و اختراع و رشد سریع فناوری‌های جدید، ادبیات را وارد مرحله جدیدی از حیات کرد و از همین جا بود که ژانر ادبی علمی-تخیلی در ادبیات غرب شکل گرفت.

اولین عمل داستانی که ویژگی‌های ادبیات علمی - تخیلی را با خود داشته رمان «فرانکشتاین» اثر «مری شلی» است که به صورت اساسی، احساس انسان به آینده را تغییر داد (شناوه و البزرگان، ۲۰۱۷: ۱) پیشوای ادبیات علمی- تخیلی در فرانسه «ژول ورن می‌باشد که این نوع ادبی را با داستان «پنج هفته در بالن» شروع کرد. خالق رمان‌های علمی - تخیلی در انگلیس هربرت جورج ولز است که رمان‌های «ماشین زمان» و «جنگ دنیاها» از مشهورترین آثار وی در این زمینه می‌باشد. در ادبیات آمریکایی نیز علاوه بر ادگار آلن پو ادگار رایس باروز با نوشتن رمان «زیر اقمار مارس» به عنوان پیشوای ادبیات علمی - تخیلی در آمریکا به شمار می‌رود (نک الیاسین، ۲۰۰۸: ۳۶-۵۲). اما در ادبیات عربی - به دلیل تفاوت سطح پیشرفت‌های علمی جهان عرب در مقایسه با کشورهای اروپایی و آمریکایی- این ژانر ادبی، هنری جدیدتر محسوب می‌شود؛ همزمان با ترجمه آثار علمی- تخیلی غربی و گسترش این نوع ادبی در میان ملل عربی، نویسندگان بزرگی در این فن هنرمایی کرده و آثار ارزشمندی به رشته تحریر درآوردند البته در این میان، نویسندگان مصری بیشتر از دیگر نویسندگان عرب زبان در این زمینه درخشیدند.

قبل از ورود به سیر تطور ادبیات علمی - تخیلی در ادبیات عربی معاصر باید خاطر نشان ساخت که در تاریخ ادبیات قدیم عربی می‌توان نمونه‌هایی از ادبیات داستانی پیدا کرد که هر چند نمی‌توان از لحاظ کارکرد و هدف نویسندگانش، نام داستان علمی- تخیلی بر آن نهاد اما شباهت‌هایی در بکارگیری عنصر خیال با داستان‌های علمی- تخیلی امروزی دارند که حاکی از قدرت خیال‌پردازی و به تصویر کشیدن آرزوهای عرب آن زمان است. «اصطلاح خیال علمی با وجود رساله الغفران اثر ابوالعلاء معری و آراء أهل المدینة الفاضلة فارابی و حی بن یقظان ابن طفیل و برخی قصه‌های ألف لیلة و لیلة در ادبیات قدیم عرب به چشم می‌خورد» (عمران، ۲۰۱۵: ۵۵). و با توجه به منابع داستانی کهن عربی مانند ألف لیلة و لیلة و رساله حی بن یقظان باید اذعان داشت که بی شک ادبیات علمی - تخیلی معاصر

عرب، نخستین دستمایه خویش را از قعر تاریخ برگرفته است (خانلری، ۱۳۹۵: ۵۰) پروفیسور آمریکایی بنام "تیری سیزار" استاد ادبیات تطبیقی در دانشگاه پنسیلوانیا در کتابی که درباره رهبران ادبیات علمی-تخیلی نوشته است از برتری عرب در تأسیس این حوزه یاد کرده است (شریف، ۲۰۰۹: ۷).

ادب عربی در عصر معاصر، ادبیات علمی-تخیلی را به صورت نوین، در دهه هفتاد شناخت. زمانی که «مصطفی محمود» رمان «عنکبوت» را در سال ۱۹۶۴ نوشت. اتفاقاتی که در این داستان رخ می‌دهد از سال ۱۹۵۸م آغاز می‌شود و درباره اکسیری جادویی است که با تزریق آن به انسان می‌توان به گذشته‌های دور رفت و در شکل و شمایل انسانی دیگر با زبان و طرز تفکری متفاوت زندگی دیگری را آغاز کرد (عزام، ۱۹۹۴: ۱۲۴). وی در رمان دیگری بنام «الخروج من التابوت» قضایای علمی را با اسلوب برانگیزنده غیبی سرشار از افکار متافیزیکی در می‌آمیزد (عمران، ۱۹۸۹: ۱۲۶). در همین زمان، برخی توفیق حکیم را از جمله پیشوایان اولیه این گونه ادبی دانسته و معتقدند از اولین و مشهورترین آثار وی در زمینه خیال علمی کتاب‌های «رحله إلى الغد»، «لو عرف الشباب»، «تقرير قمری» و «الاختراع العجیب» است (عبد الحنان، ۲۰۱۸: ۵). همانگونه که از آثار پژوهشگران و ناقدان مختلف بر می‌آید این فن ادبی در کشور مصر بیشترین توسعه و شکوفایی را داشته پس از آن نویسندگانی در کشورهای سوریه، عراق، مراکش و سودان نیز دست به تألیف آثاری در این زمینه زده‌اند.

در مصر عده‌ای بارقه‌های اولیه این گونه ادبی را در آثار یوسف عز الدین عیسی می‌دانند و معتقدند پس از وی توفیق حکیم آثاری مانند «رحله الغد» در این زمینه نگاشته است، یوسف السباعی نیز دیگر نویسنده مصری است که با نوشتن داستان «لست وحدک» در این زمینه فعالیت کرده است. (نک: الیاسین، ۲۰۰۸: ۸۳-۱۱۰). از جمله مشهورترین و بارزترین چهره‌های ادبی مصری در این زمینه که همگان او را پیشوای ادبیات علمی - تخیلی معاصر عربی می‌دانند، «نهاد شریف» است که در این نوع ادبی به مهارت فراوانی دست یافته و تمامی آثارش را به این ژانر ادبی اختصاص داده است و در هیچ زمینه دیگری اثری ننوشته است (عبد الحنان، ۲۰۱۸: ۷).

پیشینه پژوهش

هر چند ژانر ادبی علمی-تخیلی از جمله گونه‌های ادبی تازه و نو در ادبیات معاصر عربی است که کمتر مورد توجه ناقدان و پژوهشگران معاصر قرار گرفته است اما پژوهش‌های اندکی به زبان عربی درباره معرفی این گونه ادبی و پیدایش و سیر تطورتاریخی آن و اشاره به برخی آثار نویسندگان در این زمینه به رشته تحریر در آمده است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

عزام (۱۹۹۴) در کتابی با عنوان «الخیال العلمی فی الأدب» به بررسی داستان هزار و یک شب و پدیده سندباد در این افسانه به عنوان نمونه‌ای از ادبیات علمی - تخیلی در ادبیات قدیم عربی پرداخته است و پس از آن به سیر تطور این گونه ادبی در ادبیات عربی دوره معاصر و نویسندگان مشهور در این زمینه پرداخته است.

هزاع (۲۰۰۷) در کتاب «الخیال العلمی فی الأدب المصری؛ نهاد شریف نموذجا» به ارتباط بین علم و ادبیات پرداخته و پس از آن به بررسی ریشه‌های ادبیات علمی-تخیلی در مصر و مشهورترین نویسندگان آن و همچنین ارتباط آن با ادبیات غربی پرداخته است و در نهایت به برخی رمان‌ها و نمایشنامه‌های نهاد شریف در این زمینه اشاراتی داشته است.

(الیاسین ۲۰۰۸) در پایان نامه‌ای با عنوان «الخیال العلمی فی الأدب العربی الحدیث فی ضوء الدراسات المقارنه» ضمن تعریف اصطلاحی ادبیات علمی-تخیلی، به بیان تفاوت آن با ادبیات فانتزی، اسطوره، داستان‌های علمی، خرافات و ژانر گوتیک پرداخته و به بررسی ادبیات علمی - تخیلی در ادبیات معاصر عربی در کشورهای مصر، سوریه، کویت، مغرب و سودان پرداخته است.

ناعمی و مفاخر (۱۳۹۶) نیز در مقاله‌ای با عنوان «آرمانشهر و ضد آرمانشهر در آثار علمی-تخیلی توفیق الحکیم (نمایشنامه «رحله إلى الغد» و داستان کوتاه «فی سنه مليون» به پدیده آرمانشهر و ضد آرمانشهر به عنوان یکی از اصلی‌ترین موضوعات ادبیات علمی - تخیلی پرداخته‌اند و در نهایت ضمن تحلیل این دو اثر به این نتیجه رسیده‌اند که به عقیده نویسندگان پیشرفت‌های علمی نه تنها آرمانشهر را برای انسان به ارمغان نمی‌آورند بلکه او را به ضد آرمانشهر نزدیک می‌کنند.

خانلری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تاریخی نقش تخیل و خیال در دو داستان «ألف لیله و لیله» و «رسالة حی بن یقطان» ضمن بررسی این دو اثر، نخستین بارقه‌های گونه ادبی علمی - تخیلی ادبیات عربی را در لابه لای متون کهن و داستان‌های فولکلور و مردمی اعراب می‌داند و به این نتیجه رسیده است که خرافه‌ها و اسطوره‌هایی مانند قالیچه پرنده، چراغ جادو، گوی سحرآمیز و... از جمله آرزوهایی است که در گذشته خیال مردم را با خود همراه ساخته و امروزه به لطف علم و دانش در قالب امکاناتی همچون هواپیما، تلویزیون، ربات، تکنولوژی و... محقق شده‌اند بنابراین خیال ادیب و داستان‌های فولکلور کهن هرگز خالی از امور علمی - تخیلی نبوده است.

اما درباره مؤلفه‌های ادبیات علمی - تخیلی در مجموعه داستانی «رقم ۴ یا مرکم» اثر نهاد شریف که در بردارنده ده داستان کوتاه است- با توجه به جستجوهای صورت گرفته- تاکنون پژوهش خاص و مستقلی به زبان عربی یا فارسی صورت نگرفته است که مقاله حاضر در پی بررسی و تحلیل محتوای دو داستان از این مجموعه است.

معرفی مجموعه داستانی «رقم ۴ یا مرکم»

این مجموعه داستانی اثر نهاد شریف، دربر دارنده ده داستان کوتاه علمی-تخیلی با عنوان‌های زیر است:

«حذار .. إنه قادم، لکی یختفی الجراد»، رقم ۴ یا مرکم، نهر السعادة، عین السماء، و جهان لقصه واحده، القصر، مندوبه فوق العاده، ثقب فی جدارالزمن و حادث غامض»

نام این مجموعه از یکی از داستان‌های آن گرفته شده است و در سال ۱۹۷۴م و در ۱۵۰ صفحه نگاشته شده و در مسابقات مربوط به قصه‌های کوتاه موفق به کسب جوایزی شده است. دغدغه اصلی نویسنده در این مجموعه قصه‌ها، ترسیم نگرانی او از سرنوشت بشر و تلاش برای گسترش ارزش‌های انسانی و فراگیری صلح در دنیای معاصر و آینده است. وی در این مجموعه، داستانی موضوعات و مضامینی مانند موجودات فرازمینی، روبات‌ها، طول عمر، برخورد نژادهای هوشمند با جوامع انسانی، پیشرفت‌های علم پزشکی و مسائل مربوط به سیر در زمان را به شکلی تخیلی به کار گرفته است. در پژوهش حاضر به صورت نمونه، دو داستان کوتاه «رقم ۴ یا مرکم» و «حذار .. اینه قادم» که شامل موضوعات برخورد نژادهای هوشمند غیر انسانی با انسان‌ها در قلمرو کره زمین و ربات‌ها و نقش منفی آنها در زندگی عاطفی انسان‌ها بررسی شده است.

بحث و بررسی داستان کوتاه «رقم ۴ یا مرکم»

موضوع این داستان، درباره برخورد نژادهای هوشمند غیر انسانی با انسان‌ها در قلمرو کره زمین است. شریف از چارچوب این موضوع سعی دارد پیامدهای شوم گسترش استفاده‌های نظامی از انرژی هسته‌ای و تأثیرات آن را نه تنها در کره زمین بلکه در کل منظومه شمسی بیان کند. تفکر مسلط او در این داستان نه تنها نگرانی از دستیابی به کاربردهای نظامی از انرژی هسته‌ای است بلکه او تغییر معنای صلح و انسانیت را به صلح اجباری در سایه بازدارندگی سلاح‌های کشتار جمعی و موشک‌های دور برد و قاره پیما و... و احیاناً کاربرد عملی آنها را مد نظر دارد.

داستان از این قرار است که موجودات فضایی (مریخی‌ها) به دنبال انفجارهای هسته‌ای که در سیاره‌ای بنام سیاره شماره ۵ رخ داده و باعث نابودی کامل آن شده است، به دلیل تشعشعات و آثار مخربی که بر سیاره سرخ آنها گذاشته مجبور می‌شوند دردل سیاره‌شان زندگی را ادامه دهند در حالی که تا قبل از آن بر روی سطح آن زندگی می‌کردند. از سوی دیگر این موجودات پیش از آن، شاهد دو انفجار هسته‌ای بزرگ بر روی کره زمین بوده‌اند (دو انفجار هسته‌ای در هیروشیما و ناکازاکی) و این باعث نگرانی آنها درباره سرنوشت خود و تکرار حادثه سیاره شماره ۵ می‌شود. لذا تصمیم می‌گیرند طی بیانیه‌ای به زمینی‌ها هشدار دهند که ظرف مدت دو هفته تمامی مخازن و نیروگاه‌های هسته‌ای و ایستگاه‌های آب سنگین و حتی کاربردهای غیر نظامی از انرژی هسته‌ای را تعطیل کنند در غیر این صورت خودشان اقدام به برچیدن این امکانات می‌کنند. انسان‌ها وقتی با این بیانه روبرو می‌شوند با غیر قابل باور بودن اینکه موجوداتی غیر از آنها نیز در سیاره‌ای دیگر وجود دارند، هر کدام از کشورها و ابر قدرت‌ها بیانه را اقدامی مضحک برای تهدید از جانب دشمنان می‌دانند. روسیه و آمریکا که در دو طرف این ادعا قرار دارند تا مدتی نوعی جنگ سرد بین آنها جریان می‌یابد... تا اینکه پس از چند روز در حالی که فقط ۵ روز به پایان مهلت تعیین شده باقی مانده، بیانیه‌ای دیگر از طرف مریخی‌ها صادر می‌شود که در آن به قطعیت وجود خودشان را اثبات می‌کنند. بعد از این بیانه انسان‌ها درمی‌یابند که قضیه جدی بوده و منبع این هشدارها زمین نبوده و عکس‌العمل آنها چیزی جز مقابله با تمام سلاح‌ها و

موشک‌های پیشرفته نیست. در انتهای ماجرا، این مریخی‌ها هستند که طبق آنچه خودشان گفته بودند بر انسان‌ها و وسایل کشتار جمعی و بمب‌های هسته‌ای فائق می‌آیند. همه این اتفاقات در یک بیهوشی ۲۴ ساعته برای انسان‌ها تمام می‌شود و همراه آن تمام بمب‌های هسته‌ای نیز از روی کره زمین برچیده می‌شود.

همانطور که قبلاً گفته شد زمینه وقوع حادثه، کل کره زمین است. شریف در آغاز داستان در جهت زمینه‌چینی برای مطرح کردن حادثه اصلی، به توصیف صحنه‌هایی از گوشه و کنار کره سبز می‌پردازد. از این میان محدوده جغرافیایی را از چند گوشه زمین از جمله، مصر، ایتالیا، جزیره منجمد شمالی "گرینلند"، لندن، فرانسه، کندی "متریال" برگزیده است. زمان وقوع حادثه را نیز به صورتی دقیق (۱۰ اکتبر سال ۱۹۹۰ میلادی) تعیین می‌کند. زندگی انسانها در هر کدام از این مناطق شکل طبیعی و روند عادی خود را طی می‌کند اما اشاره‌هایی رمزآلود و مبهم از احتمال رخدادی را دارد. مردی که در بیابان‌های بزرگ مصر در حالی که صورتش را پوشانده و بر روی شترش نشسته است، چشم به افقی دور در حال غروب دارد. چیزی دیده نمی‌شود اما فطرت او ایمان دارد که چیزی در حال اتفاق است چیزی عجیب و مبهم:

«... وَ عَبَرَ التَّلَالِ وَ كَتَبَانَ الرَّمَالِ الْمُتَلَاشِيَةَ شَرْقًا فِي فُلُولِ اللَّيْلِ الرَّاحِلِ لَمْ يَكُنْ يَرِي أَى شَيْءٍ وَلَكِنَّهُ أَيْقَنَ بِفَطْرَتِهِ... وَ بَوْمَضَهُ تُوقِيَتِ مُدْهِشَةً قَلَمًا خَدَعْتَهُ أَنَّهُ لَمْ يُخْطِئِ الْمِيعَادَ...» (شریف، ۱۹۷۰: ۲۶). (از گذر تپه‌ها و توده‌های شن متلاشی در شرق در ساعات باقی مانده از شب، چیزی دیده نمی‌شد اما او به فطرت خود ایمان داشت... به درخشش زمانبندی شگفت‌انگیز، خیلی کم پیش می‌آمد که اشتباه کند...)

از سوی دیگر در باغ وحشی در لندن حیوانات رفتارهای عجیبی از خود بروز می‌دهند:

«ولكن أبدا لم تكن الحيوانات حاجعةً هادئةً كدأبها في كل ليلة... و أنما وجدها متيقظةً تدورُ بداخل أقفاصها على الرغم من تأخر الليل و قد اعترها فرغٌ و قلقٌ غامضان لا يدري كنههما... فهل تحسُّ قرب وقوع زلزال؟» (همان: ۲۸). (حیوانات باغ وحش مثل هر شب آرام و در خواب نبودند... با وجود اینکه پاسی از شب گذشته بود داخل قفس‌هایشان بیدار بودند و ترس و دلهره‌ای نامشخص آنها را در برگرفته بود... آیا وقوع زلزله‌ای را احساس می‌کردند؟)

بعد از توصیف صحنه‌هایی از زندگی عادی انسان‌ها، شریف در زاویه‌ای وسیع‌تر و از بالای منظومه شمسی، کره زمین را با مدارها و قمر آن و در میان دیگر سیارات توصیف می‌کند:

«كوكب الأرض... الذى تَمَيَّزَ بِغَلَاظِهِ الْجَوِيِّ مِنْ دُونَ تَوَابِعِ الشَّمْسِ الثَّمَانِيَةِ الْبَاقِيَةِ... وَ السَّابِحَاتِ فِي قُلُوبِهَا ضَمَّنَ مَجْرَةً سَكَّةَ التَّنَانَةِ مَعَ الْمَلَائِينِ مِنَ النُّجُومِ وَ التَّوَابِعِ وَ تَوَابِعِ التَّوَابِعِ وَ غَيْرُهَا مِنَ الْأَجْرَامِ الْفَلَكِيَّةِ عَبْرَ الْكُونِ الْوَاسِعِ... الْفَسِيحِ... اللَّانِهَائِي» (همان: ۲۹). (سیاره زمین... که با پوشش جوی خود در میان سیارات هشت گانه حول محور خورشید نمایان است... و ستارگان در چرخش خود در دل کهکشان قرار دارند همراه با میلیون‌ها ستاره دنباله دار و دنباله ستارگان دنباله دار (قمرهای ستارگان) و دیگر اجرام فلکی در گستره هستی پهناور... فسیح... بی‌نهایت).

سیر صعودی ماجرا زمانی شروع می‌شود که حادثه به نزدیکترین زمان وقوع خود می‌رسد:

«... فی تلك الثانية الفريدة في رهبتها بدا حدوث الشيء الذي لم يدرك بخلد سكان الكرة الأرضية على الإطلاق... ولم تومض إمكانية وقوعه في خيالهم قط من قبل... على حين غرة انشقت السماء كما يشقُّ قلبُ الزبدِ بصلِّ مُرهفٍ عن الصوتِ الغامضِ...» (همان: ۳۰). (در آن لحظه کم کم رخدادی که اصلاً به ذهن ساکنان زمین نمی‌رسید داشت به وقوع می‌پیوست... اتفاقی که تا قبل از آن هرگز در خیالشان هم امکان نداشت رخ دهد... برای یک لحظه آسمان با صدایی ناشناخته از هم شکافت همانطور که قالب کره با چاقویی تیز بریده می‌شود).

این توصیف در قصه ادامه پیدا می‌کند و خواننده به تدریج در جریان حادثه و کیفیت آن قرار می‌گیرد تا اینکه با عبارت: «بیاناً إلى مخلوقات الأرض...» (شریف، ۱۹۷۰: ۳۱) خواننده پی می‌برد که دایره ماجرها از زمین و ساکنان آن گسترده‌تر است. این بیانیه از جهاتی نوعی توصیف رفتار و خط فکری انسان‌ها از زبان موجودات فضایی با زبانی صادق و ساده نیز هست:

«با مخلوقاتِ کوكب الأرض... و دون شك لم يكن تجنّب المزيد من القتل و الدمار هو بالفعل ما تَهْدِفون تحقيقه و يشهد على ذلك أن المخزون في خبايا أرضكم من قنابل الهيدروجين ذوات المائه ميقاتن... يبلغ أربعة ملايين قبله...» (همان: ۳۲). (ای اهالی زمین... بدون شک، دوری از این همه قتل و کشتار هدف عملی و اصلی شما نیست و گواه آن وجود ذخایر صد تنی بمب‌های هیدروژنی در زیر زمین شماست که به تعداد چهار میلیون بمب می‌رسد).

از غرور و خود شیفتگی انسان‌ها می‌گوید:

«... وأنتم أصلاً كائناتٌ يغلبُ حبُّ الذاتِ على تصرفاتها... و لعلَّ أقرب الأمثلة على تخلفِ عقولكم هو تناسيكم أنكم جميعاً و بلا استثناء... إنما تشتركون في سكني جرم سماوي واحد هو كوكبكم الأرض» (همان: ۳۱). (شما در اصل موجوداتی هستید که خودشیفتگی در همه رفتارهایشان غلبه دارد... شاید بهترین نمونه برای کوته فکری شما این باشد که همگی شما به کلی فراموش کرده اید که در یک چیز اشتراک دارید و آن سکونت همه شما در یک جرم آسمانی، سیاره زمین است...)

حادثه دردناک بمباران اتمی شهر هیروشیما ژاپن را نمونه‌ای از رفتار دیوانه‌وار بر می‌شمارد:

«و كانت قمة أفعالكم الإجرامية حين أجرئتم أول تفجير ذري فوق مدينة هيروشيما اليابانية يوم ١٦ أغسطس من عام ١٩٤٥ الأرض... و كان تبريركم وقتها لهلاك أكثر من ١٧٠ ألف نسمة في ثانية واحدة أنه إنما كان لأجل الإنسانية المعذبة بوقوف الحرب العالمية الثانية...» (همان: ۳۲) (اوج اعمال مجرمانه‌ی شما وقتی بود که اولین انفجار هسته‌ای را در شهر هیروشیما ژاپن در ۱۶ اگستس سال ۱۹۴۵ میلادی عملی کردید... و در آن زمان توجیه شما برای نابود کردن بیش از ۱۷۰ هزار انسان در یک ثانیه فقط برای انسانیت و توقف جنگ جهانی دوم بود).

از سوی دیگر شریف ویژگی‌هایی را برای موجودات فرازمینی از زبان خود آنها (در دو بیانیه) بر می‌شمرد که ویژگی‌های مثبت صلح‌اندیشی و آینده‌نگری را به ذهن می‌رساند:

«... هَلَكَ ملايينُ البشرِ لحظتها أو يُصيبوا فيما بعد بالحروقِ و التَشَوُّهاتِ و العُقْم... بل حتى لو تَمَّ فناءُ مظاهر الحياة الأرضية نهائياً... فَإِنَّ ذلكَ كُلَّهُ ما كانَ يُسبَّبُ لنا سوى مَزِيدِ الرثاءِ و الأسفِ العميقينِ من أَجْلِكُمْ... و ما كُنَّا لَنُحَرِّكَ ساكناً من أَجْلِ حُمُقِكُمْ...» (همان: ۳۳). (میلیون‌ها نفر انسان در یک لحظه نابود شده و یا دچار نقص عضو و نازایی شدند و در آخر همه نشانه‌های زندگی زمینی از بین رفت و همه اینها چیزی جز اندوه و تأسف عمیق ما برای شما نداشتند... و ما نمی‌توانیم به خاطر حماقت شما آرام باشیم...)

این موجودات خیالی، سکوت در مقابل رفتارهای غیر انسانی موجودات زمینی را روا نمی‌دانند: «نحنُ مخلوقاتُ المريخِ المتقدِّمةُ ذكاءً و حضارةً عليكم بمئاتِ الأعوامِ و الآلافِ القفزاتِ و المراحلِ العلمية» (همان: ۳۹). (ما مردمان مریخ باهوش‌تر و متمدن‌تر از شمایم و صدها سال و هزاران دهه از لحاظ پیشرفت علمی از شما جلوتر هستیم).

نقطهٔ اوج داستان از بیانیهٔ دوم شروع می‌شود و تا عکس‌العمل انسان‌ها ادامه می‌یابد: «أَحْسَنُ الناسِ أنَ الأمرِ جدیِّ حقاً... و أنَ الصوتَ الغامضَ يَسْتَحِيلُ أنَ يَكُونَ مصدرُهُ أیَّ بقعهٔ علی ظهرِ الدنيا... و زاد فزعُ الناسِ... و اختناقُهم... علی أنَ الحكوماتِ اتجهتْ بأفكارها و جههً مختلفهً... إلى القوة... إنَ هناكَ خطراً ماحقاً يُهدِّدُ سَكَانَ الأرضِ فلا بدَّ منَ مجابهتهِ بكافةِ الطُرُقِ و الوسائلِ القتالية...» (همان: ۴۱-۴۰). (مردم احساس کردند که مسأله جدی است... و محال است منبع صدای ناشناس در روی زمین باشد... نگرانی و ناامیدی مردم بیشتر شد... اما دولت‌ها موضع متفاوتی در مقابل این موضوع گرفتند... آنها به زور متوسل شدند... خطری نبود کننده ساکنان زمین را تهدید می‌کند پس ناگزیرند با تمام راهها و ابزارهای کشنده با این خطر مقابله کنند...)

بحران وقتی شدید می‌شود که در اواخر روزی از روزهای باقیمانده مهلت تعیین شده، یوفوهای در جو زمین پدیدار می‌شوند. با رویارویی موشک‌ها و ابزارآلات جنگی مدرن با یوفوهای معلق در هوا و شکست انسان‌ها در این مقابله، حالت تعلیق و هول و ولا به نهایت خود می‌رسد: «... علی أنَ الصواریخَ و قد دنا كلٌّ منها من الطبقِ الذی یسعی إلیه سرعاناً ما شَمِلَها الإضطرابُ... التخبُّطُ... ثم انحرفت جميعها عن مساراتها لتذهب بعيداً و تنفجر فی أعالی الجو...» (شریف، ۱۹۷۰: ۴۲). (موشک‌ها همین که به سوی بشقاب پرنده‌ای که در مسیرش بود پرتاب می‌شدند به سرعت دچار لرزش و انحراف می‌شدند سپس همگی از مدار خود منحرف و دور شده و در بالای جو منفجر می‌شدند).

همه این حوادث با آمدن تودهٔ ابری بزرگ که باعث بیهوشی زمینیان می‌شود رو به نزول پیدا می‌کند و مریخی‌ها در این بیهوشی ۲۴ ساعته نقشهٔ خود را برای از بین بردن تمامی ذخیره‌های پنهان بمب‌های هسته‌ای و دیگر منابع آن، عملی می‌کنند:

«وَأما مخزونُ القنابلِ النوویةِ الذی اختفی... و أسرارُ تحطیمِ الذرَّةِ و تفتیتها و قد انمحي كلُّ دلیلٍ عنها... و المعهداتُ و الآلاتُ و أدواتُ الحربِ و السلمُ المتحرکةُ بالطاقةِ الذریةِ و قد تلاشت... و أما بیانٌ

سكان المریخ الأول و الثانی و أطباقتهم الطائره التي عادت إلى كوكبهم...» (همان: ۴۴). (و اما ذخایر بمب‌های هسته ای که پنهان شده بود... و راز شکست هسته و غنی‌سازی آن ... تمام آثارشان از میان رفته بود... و کارگاه‌ها و ابزارآلات جنگی و نردبان‌هایی که با انرژی اتمی حرکت می‌کرد، متلاشی شده بود..... خبری از بیانیه اول و دوم مریخی‌ها نبود، همگی با بشقاب پرنده هایشان به سیاره خود بازگشتند....)

شریف در پایان داستان همچنان بر ایده خود مبنی بر وجود موجودات فرازمینی پیشرفته تأکید می‌کند:

«أن هناك... بعيداً... في ظلمة الكون.. هناك... من يُراقبهم و يُحصي كل حركة لهم من أعماق جارهم الكوكب القصى... المسمى بالكوكب الأحمر...» (همان: ۴۴). (آنجا ...جایی دور... در ظلمت هستی ... از عمق سیاره ای دور کسی هست که آن‌ها را می‌نگرد و تمام حرکاتشان را زیر نظر داردسیاره ای بنام سیاره سرخ.....)

نویسنده اثرات مخرب استفاده از بمب‌های هسته‌ای، تغییر کاربری دانش و دستاوردهای علمی از ایجاد رفاه به ابزاری برای بازدارندگی و شیوع ترس از طرف سیاستمداران یا به عبارتی خطرات دانش را به تصویر می‌کشد. می‌توان گفت حقیقت‌طلبی بشر معاصر پس از شکست هسته و کشف بمب اتم، جای خود را به نزاع بر سرحفظ بقا و منافع ملت‌ها داده است چیزی که صلح را منزوی کرده و شریف از زبان موجودات مریخی حتی استفاده‌های غیر نظامی از آن را پرخطر می‌داند. در واقع نویسنده، در قالب داستانی تخیلی که در ظاهر نزاع و تقابل بین دو نیروی انسانی و فضایی است، مسأله حقیقی «کشف بمب اتم و تهدید زندگی و نسل انسان» را بازگویی نموده است.

بحث و بررسی داستان کوتاه «حذار.. إنه قادم»

موضوع این داستان، روبات‌ها و تسلط آن‌ها بر جامعه انسانی در آینده‌ای دور است. داستان از زبان یک روبات که شخصیت اصلی داستان نیز هست، روایت می‌شود و با سؤال و جواب‌هایی آغاز می‌شود که از همان لحظه نخست کشمکش ذهنی شخصیت اصلی را به تصویر می‌کشد. حوادث در این داستان در زمانی رخ می‌دهند که تقویم میلادی و هجری باطل شده‌اند و تقویمی با مبدأ "نابودی هسته‌ای" در میان بشر آینده رواج یافته است که شخصیت اصلی، آن را کهنه و باطل می‌داند. پدر روبات (سازنده‌اش)، دستیار پدر، سوها (معشوقه شخصیت اصلی) و گروهی از انسان‌ها (متوحشین) از شخصیت‌های دیگر داستان هستند.

داستان حول محور اتفاق یا همان تغییری می‌چرخد که برای روبات رخ می‌دهد و او را از دیگر مخلوقات هم‌نوع خود و انسان‌ها متمایز می‌کند و این تغییر اساس کشمکش‌ها و پیرنگ داستان را شکل می‌دهد. در این داستان روبات‌ها موجوداتی توصیف شده‌اند که از همان لحظه آغاز تکوین به کار و تولید می‌پردازند و هر سال باید باطری آنها توسط انرژی هسته‌ای و کارخانه‌های تولید کننده آن آن شارژ شود تا زنده بمانند. پدر این روبات با کار گذاشتن قطعه فلزی کوچکی در عقب سر مکعبی او،

دوره‌ای جدید از زندگی را برای پسرش رقم می‌زند. روبات با تغییراتی که در اطلاعات ذخیره شده در حافظه و گیرنده‌های حسی و شنوایی‌اش رخ می‌دهد، دچار نوعی دگرگونی بنیادی در مقایسه با دیگر روبات‌ها و خصوصاً در مقابل انسان‌های متوحش می‌شود که محور داستان بر اساس همین حادثه و پیامدهای آن است. اما آنچه روبات از آن به عنوان (قاسی) و (شیء غامض) در روند داستان یاد می‌کند، چیزی جز «احساس» نیست:

«أنتَ أوَّلُ مخلوق سامٍ... من نسلِ الآلهة... يَمْتَلِكُ شيئاً جديداً لم يحصل على مثيله أحدٌ سواه... إنَّكَ أوَّلُ من يَمْتَلِكُ "الإحساس"». (شریف، ۱۹۷۰: ۷) (تو اولین مخلوق برتر از نسل ربات هستی که چیز جدیدی دارد که تاکنون هیچ ربّاتی نداشته..... تو اولین ربّاتی هستی که احساس دارد....)

قهرمان داستان در دو وضعیت با مواجهه شدن با حقایقی که قبلاً بر او پوشیده بود، دچار دگرگونی می‌شود و این آگاهی در او کشمکش‌هایی را به وجود می‌آورد. در مرحله اول او با فهمیدن اینکه «احساس» او را از دیگران متمایز کرده، سعی در شناخت این عنصر می‌کند و یک چالش درونی در او به وجود می‌آورد:

«عرفتُ أنه و ذلك الآخرُ المرافقُ لهُ إنما يجريانِ تجاربَهُما في الخفاءِ بغيةً محاكاةً تكوينِ المخلوقاتِ المتوحشةِ في شخصی» (همان: ۸) (فهمیدم که پدرم و دستیارش، پنهانی آزمایش‌های خود را به امید الگوبرداری از ساختار موجودات غیر متمدن در من انجام می‌دهند).

او در مورد تغییر پدیدآمده در خود با نگرانی و تعجب می‌گوید:

«إنَّ الشیءَ الذی وَضَعْتَهُ... یَدْفَعُ فی أعماقی قوَّةً شریرةً..... فلا بدَّ أنْ أبحثَ... و أستفسرَ.. و أفکرَ... لأنَّ الأمرَ من صمیمِ شؤنی و خصوصیاتِ...» (همان: ۹). (چیزی که در من کار گذاشتی باعث شده نیرویی شرور در اعماق وجودم رخنه کند... باید بگردم... فکر کنم برای اینکه این موضوع از عمق وجود من و مخصوص من است....)

وضعیت دوم زمانی است که او به گذشته خودش و دیگر روبات‌ها پی می‌برد:

«صَعِقْتَنی قولُ المخطَطِ بأنَّ أجدادنا القدامی... أجدادنا السامیین من نسلِ الآلهة أربابَ العقولِ الإلکترونیةِ المفکره... إنما كانوا فی المبدأ من ابتکارِ و صنعِ القومِ الحثالة... المتوحشین..... یا لأسای ... یا لضعفِ نشأتی... یا لحقارهِ منبعی علی أیدی هؤلاء المتوحشین البدیین» (همان: ۱۰). (سخن موجود در آن دست‌نوشته مرا شوکه کرد.... اینکه نیاکان برتر ما از نسل خدایان، همان صاحبان عقل الکترونیکی و متفکران در حقیقت از آغاز ساخته‌ی دست قوم پست و فرو مانده..... همان بیابانگردها و غیر متمدن‌ها هستند وای بر من..... افسوس از ریشه ام.... از حقارت نسبم به دست این قوم... انسانهای وحشی بدوی....).

روبرو شدن روبات با گروهی از انسان‌ها که در جنگل زندگی می‌کنند از مهم‌ترین نقاط اوج و حائز اهمیت در گسترش موضوع داستان است به طوری که روبات با دل‌باختن به دختری بنام «سوها» جهت زندگی ماشینی‌اش در مسیر احساسی جدیدی قرار می‌گیرد و دنیای خشک و بی روح زندگی

روبات‌ها در مقابل دنیای احساسی و سرشار از سرزندگی که در درخشش چشمان سوها و گرمی سلول‌های پوستی لطیف او می‌بیند، اکنون در نظرش رنگ می‌بازد و تصمیم می‌گیرد در میان انسان‌ها در جنگل بماند. خصوصاً اینکه الآن فهمیده است نه روبات‌ها بلکه انسان‌هایی که از آنها به عنوان متوحش نام می‌بردند، در حقیقت همان نژاد برتر هستند. اما شرایط جسمی به او اجازهٔ چنین کاری را نمی‌دهد لذا به پیشنهاد ریش سفید انسان‌ها مبنی بر خودکشی پاسخ مثبت می‌دهد. در واقع روبات برای اینکه خود را از نسل انسان‌ها قرار دهد تن به این کار می‌دهد و تمایل شدید او به داشتن اصلی و نسبی برتر (که در نظر او انسان بودن نژاد برتر دنیاست)، باعث می‌شود اقدام به خودکشی کند. او اندکی قبل از عملی کردن تصمیمش، برای آخرین بار در میان انسان‌ها حرکت می‌کند، تغییری در خود احساس می‌کند که آن را ناشی از احساس انسان بودن می‌داند و با قدرت آن را احساس می‌داند:

«لَمْ تَكُنْ نَظَرْتِي جَامِدَةً هَذِهِ الْمَرَّةَ... تَحَرَّكَ ذَلِكَ الشَّيْءُ فِي مَوْخِرَةِ رَأْسِي فَرَبَطَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ... أزال نُفُورِي وَ تَقَرُّزِي وَ زاد قُرْبِي مِنْهُمْ... كم هو مُتَمِّعٌ ذَلِكَ الإحساسُ الَّذِي يَغْمُرُنِي...» (شریف، ۱۹۷۰: ۱۴).

(ین بار نگاهم بی جان و سرد نبود..... آن چیز در عقب سرم تکان خورد و بین من و آنها ارتباطی ایجاد کرد..... نفرت و شرم مرا از بین برد و حس نزدیکی به آنها در من بیشتر شد..... چه خوب بود آن احساسی که مرا در بر گرفته بود.....)

نگرانی اساسی نویسنده که در این قصه کوتاه از زبان روباتی بیان شده، افق دید او از آینده سرنوشت بشر را بازگو نموده است، به باور نویسنده بشر، رفته‌رفته، احساس و عاطفه را از مدار زیستی خود خارج می‌سازد و به موجودی خطرناک تبدیل می‌گردد. قهرمان اصلی این قصه کوتاه، روباتی است که نویسنده از طریق آن میل به زندگی ماشینی و دوری از انسانیت را که بشر امروزه به سوی آن می‌تازد، مورد نقد قرار داده است. شریف در این داستان علاوه بر پیش‌بینی تسلط مخلوقات ماشینی بر خالق آنها (انسان)، تفکر برتری را در پوشش این قصه علمی-و تخیلی بیان می‌کند و آن برتری دنیای احساسی و انسانیت بر دنیای مادی و فیزیکی است، دنیایی که با هیچ یک از مقیاس‌های علمی و فنی قابل سنجش نیست.

نتیجه

نهاد شریف - نویسندهٔ مصری - به عنوان پدر ادبیات علمی - تخیلی دنیای عرب به شمار می‌رود زیرا تقریباً در هیچ موضوع دیگری غیر از حیطة خیال علمی اثری ننوشته است. مضمون آثار علمی تخیلی وی تقریباً همان مضامین معمول و رایجی است که در آثار نویسندگان مشهور این حیطة به کار رفته است. مجموعهٔ داستانی «رقم ۴ یامرکم» در بر دارندهٔ مشهورترین قصه‌های کوتاه نویسنده در ژانر ادبی علمی - تخیلی است که در آن همواره نوعی دغدغهٔ انسانی را به دوش می‌کشد. او از ورای یک موضوع علمی، آیندهٔ انسان را که تحت تأثیر تغییرات محسوس ناشی از پیشرفت سرسام آور علم و تکنولوژی قرار گرفته، از جهات اخلاقی و اجتماعی و طرز بینش انسان آینده در قبال مرگ و زندگی و جهان‌های دیگر، مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد و در پی یافتن پاسخ این پرسش است که آیا این

تکنولوژی و علم معاصر برای انسان مایه خیر و برکت است یا چیزی جز شر و بدبختی به بار نمی‌آورد؟ مضمون داستان «رقم ۴ یامرکم» برخورد نژادهای هوشمند غیر انسانی با انسان‌ها بر روی کره زمین است که نویسنده در آن به نقد گسترش استفاده از انرژی هسته‌ای در جهان می‌پردازد و مضمون داستان کوتاه «حذار ... إنه قادم» نیز مربوط به ربات‌ها و تسلط آن‌ها بر جامعه انسانی در آینده‌ای دور است. نویسنده در هر دو داستان، از منظر شخصیت‌پردازی، منحصرأ به توصیف یک یا دو شخصیت اصلی و خیالی پرداخته و از زبان آنها، دغدغه‌های خود در زمینه آینده بشر را بازگو نموده است. در هر دو داستان، نوعی بدبینی نسبت به آینده و سرنوشت بشر وجود دارد و منش‌های تغییر یافته انسان‌ها در سایه گسترش علم و کاربرد منفی آن از بارزترین شکل این بدبینی است.

منابع

- اسکولز، رابرت (۱۹۹۶)، آفاق الخيال العلمي، الترجمة: حسن حسين شكري، الطبعة الأولى، قاهرة: الهيئة العامة للكتاب.
- بصمه جی، سحر (۲۰۱۰). «سحر الخيال العلمي». مجلة الباحثون. كانون الأول ۲۰۱۰. شماره ۴۲.
- بهی الدین، رمزی (۲۰۱۲). «نهاد شریف عمید الخيال العلمي»
www.masress.com/alkahera/346
- خانلری، جواد (۱۳۹۵)، بررسی تاریخی نقش تخیل و خیال در دو داستان "الف لیلہ و لیلہ" و "حی بن یقظان"، مجله مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام، دوره ۱، شماره ۱، صص ۴۰-۵۱.
- الدادیسسی، الکبیر (۲۰۱۶)، مسارات الروایة العربیة المعاصرة، الطبعة الأولى، بیروت: مؤسسه الرحاب الحدیثه.
- شریف، نهاد (۱۹۷۰). رقم ۴ یامرکم. الطبعه الأولى. قاهرة: کتاب الیوم.
- _____ (۲۰۰۸). «الخیال العلمی اکثر ألوان الأدب إثارة». مجلة الخيال العلمي. شماره اول. ۲۰۰۸. صص ۶-۱۶.
- _____ (۲۰۰۹). «العطاء العربی فی أدب الخيال العلمی» مجلة الخيال العلمي. شماره ۱۲. تموز ۲۰۰۹. صص ۶-۱۱.
- شناوه محمد فضیل و البزرکان، بیداء علی حسین محمود (۲۰۱۷)، جمالیات نصوص الخيال العلمی المسرحیة، مجلة مرکز بابل للدراسات الإنسانية، المجلد ۵، العدد ۱.
- صبری، السید محمد (۱۹۸۷). «أرشيف القصة: نهاد شریف». القصة. أبريل ۱۹۸۷. شماره ۵۲. صص ۱۳۷-۱۴۲.
- عبد الحنان، محمد (۲۰۱۸)، الخيال العلمی فی الأدب العربی المعاصر، مجلة أقلام الهند، السنة الثالثة، العدد الرابع.
- عبدالملک، أنور (۱۳۷۷). «ما الأدب العلمی؟». المجله، جمادی الأول ۱۳۷۷. عدد ۱۳. صص ۸۴-۸۹.

- عزام، محمد (۱۹۹۴)، الخيال العلمی فی الأدب، الطبعة الأولى، دمشق: دار طلاس.
- عمران، طالب (۱۹۸۹). فی العلم و الخيال العلمی. الطبعه الأولى. دمشق: وزارة ثقافة.
- _____ (۲۰۱۵)، الخيال العلمی فی الأدب، مجلة الموقف الأدبی، العدد ۵۳۰، صص ۵۵-۵۶.
- فولادی تالاری، خیام (۱۳۷۷). عناصر داستان های علمی-تخیلی با نمونه هایی از آثار: آیزاک آسیموف و دیگران. چاپ اول. تهران: نشر نی.
- قدری، زینار (۲۰۱۸)، أدب الخيال العلمی والفنون السردیة.. شیفة آدم و العملاق هومو نمودجا، موقع الكتابة. <http://alketaba.com/old/index.php/2013-10-30>
- ناعمی، زهره و مفاخری، فرهنگ (۱۳۹۶)، آرمانشهر و ضد آرمانشهر در آثار علمی -تخیلی توفیق حکیم، فصلنامه نقد ادب معاصر عربی، سال هفتم، شماره ۱۲، صص ۱۷۳-۱۹۴.
- قصاع، محمد (۱۳۷۸)، «ادبیات علمی-تخیلی در دوره بیست ساله اخیر»، ادبیات داستانی، شماره ۵۱، صص ۱۴۶-۱۵۳.
- هزاع، حماده (۲۰۱۱). «تأیین نهاد شریف رائد أدب الخيال العلمی فی الوطن العربی» www.masress.com/nd/ndawa
- الباسین، محمد عبدالله (۲۰۰۸)، الخيال العلمی فی الأدب العربی الحديث فی ضوء الدراسات المقارنه، أطروحة جامعة بإشراف غسان مرتضى، كلية الآداب و العلوم الإنسانية فی جامعة البعث.



القلق من هيمنة التكنولوجيا على البشر قصص الخيال العلمي لنهاد شريف: دراسة: "رقم ٤ يامرکم" و"احذروا.. إنه قادم"

علي سليمي^١، ليلى ياوري^٢، مريم رحمتي^٣، علي دودمان كوشكي^٤

^١ أستاذ، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة الرازي، کرمانشاه، إيران.

^٢ ماجستير، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة الرازي، کرمانشاه، إيران.

^٣ أستاذة مساعدة، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة الرازي، کرمانشاه، إيران.

^٤ أستاذ مساعد، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة الرازي، کرمانشاه، إيران.

الملخص

معلومات المقالة

في السنوات الأخيرة أصبحت كتابة قصص الخيال العلمي راجحة في الأدب العربي المعاصر، وتمت كتابة العديد من الأعمال في هذا المجال وفي العالم العربي بشكل عام، يُطلق على الكاتب المصري نهاد شريف لقب أبو هذا النوع الأدبي الجديد. تحكي المجموعة القصصية له بعنوان: «رقم ٤ يامرکم» وهي تشمل على عشر قصص، هموم المؤلف الإنسانية والاجتماعية في شكل عشر قصص قصيرة. لقد قام البحث الحالي بتحليل محتوى قصتين من هذه السلسلة بالمنهج الوصفي التحليلي، ويهدف إلى الإجابة على سؤال ما الذي يركز عليه المؤلف في هذه القصص الروائية وكيف يتم تمثيل اهتماماته بمستقبل البشرية. تشير نتائج البحث إلى أن المؤلف قد أعاد تصوير صورة مخاطر التقدم العلمي والتكنولوجي في هذه القصص العلمية-الخيالية. إنه قلق للغاية من نسيان القيم الأخلاقية والانسانية في ظل النمو السريع للعلم وللتقنيات الجديدة، بحيث يرسم المستقبل مع انتشار الاستخدام المدمر لهذه التقنيات، وقصص الخيال العلمي الخاصة به في مجال النصوص لقد اقترب من النقد الاجتماعي.

نوع المادة:

مقالة محكمة

تاريخ الوصول:

١٤٤٥/١١/١٥

تاريخ القبول:

١٤٤٦/٠١/٢٨

الكلمات المفتاحية: جنس الخيال العلمي، الأدب المصري المعاصر، نهاد شريف، العدد ٤ من يامرکم.

الاقبباس: سليمي، ع. ياوري، ل. رحمتي، م. دودمان كوشكي، ع. (١٤٤٦). القلق من هيمنة التكنولوجيا على البشر قصص الخيال

العلمي لنهاد شريف: دراسة: "رقم ٤ يامرکم" و"احذروا.. إنه قادم"، مقالة محكمة، السنة ١، العدد ٢، صص ٥١-٧٠.



doi: 10.22034/jisall.2025.202961

حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.

الناشر: جامعة زابل.

The Anxiety of Technology's Dominion over Humanity in Science Fiction: A Case Study of Number 9 Commands You and Beware... He Comes

Ali Salimi, (corresponding author): Professor of the Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: a.salimi@razi.ac.ir

Leila Yavari, Master in Arabic language and literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

Maryam Rahmati, Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

Ali Doodman Kooshki, Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

Introduction

The contemporary world, in recent centuries, with the victory of the industrial revolution and the subsequent advancement of science and technology and global policies in the use of environmental resources, has undergone new changes that these developments have also affected literature; One of the fields of these changes is fiction, which changed with the widespread changes in the field of science and technology, and the themes and policies of fiction changed, and a generation of stories with a science-fictional approach appeared on the scene, and it continues with scientific and technological developments. It has continued its path and today it has become a popular and independent literary technique. Due to the moment by moment advances in science and technology in today's advanced world, this literary genre has gained a special place among its readers in the literature of different nations. The creator of the scientific work speaks of a fictional world that is about to become a reality with the ever-increasing progress of science and technology.

Methodology

The present research has analyzed the content of two stories from this collection with descriptive-analytical method and aims to answer the question of what the author's focus is on in these fictional stories and how his concerns about the future of mankind are represented. Is

Discussion and Results

Although science-fiction literature is a popular and independent literary technique today, there are many disagreements regarding its definition and no

single definition has been established for it. Some consider it "among the literary types that are based on scientific imagination, and scientific imagination means the scientific, physical, biological, and spatial concepts, theories and hypotheses that rely on scientific rules" (Abdul Hanan, 2018: 1) Some others believe that "scientific-fictional literature is a kind of fusion and compromise between literature and science, the first (literature) is based on imagination and the second (science) is based on the experience of generalizing generalities and achieving specific laws" (Sharif, 2008: 13). In general, science fiction literature is one of the techniques that has a close and wide connection with human life to the extent that some people rightly consider science fiction literature as one of the most humane branches of fiction literature. (Qasa, 1378: 146). Therefore, the science-fiction story takes the element of science from the scientific achievements of mankind and mixes it with the element of literary fantasy and predicts the future of mankind and the changes and developments in the arena of science and technology before they happen.

Some researchers believe that myth is the first literary production that connects humans with the world around them, therefore they consider myth as the true root of science-fiction literature (Qadri, 2018: 1). It owes its current and common name to "Hugo Granzberg". Granzberg was the editor-in-chief of a magazine called "Science Fiction" which was active in 1926 and a few years later he chose the name "Science Fiction" for his famous magazine (Foladi, 1377: 12). Since fiction is a reflection of the changes and events of the author's era, we can point to two noticeable events and changes as the first spark of the emergence of science-fiction stories as a new style; The world's entry into the atomic age after World War II and the launch of the first space rocket by the former Soviet Union in 1957 AD (Abdul Malik, 1377: 84). These two events, as well as the industrial revolution and the invention and rapid development of new technologies, brought literature into a new stage of life, and from this point, the scientific-fantasy literary genre was formed in Western literature.

Conclusion

Nihad Sharif - an Egyptian writer - is considered as the father of science-fiction literature in the Arab world because he has written almost no works on any subject other than science fiction. The themes of his science fiction works are almost the same common themes used in the works of famous writers in this field. The collection of stories "Number 4 Yamerkam" contains the author's most famous short stories in the science-fiction literary genre, which always carries a kind of human concern. Beyond a scientific issue, he criticized the future of man, which is under the influence of noticeable

changes caused by the rapid progress of science and technology, from the moral and social aspects and the way of vision of the future man towards death and life and other worlds. It investigates and seeks to find the answer to this question: is this contemporary technology and science a source of good and blessing for humans or does it bring nothing but evil and misery? The theme of the story "Number 4 Yamerkam" is the encounter of intelligent non-human races with humans on the planet, in which the author criticizes the expansion of the use of nuclear energy in the world, and the theme of the short story "Beware... it's coming" It is also related to robots and their dominance over human society in the distant future. In both stories, from the point of view of characterization, the author has exclusively described one or two main and imaginary characters and narrated his concerns about the future of mankind through their language. In both stories, there is a kind of pessimism towards the future and destiny of mankind, and the changed character of humans in the shadow of the expansion of science and its negative application is one of the most obvious forms of this pessimism. Some researchers believe that myth is the first literary production that connects humans with the world around them, therefore they consider myth as the true root of science-fiction literature (Qadri, 2018: 1). It owes its current and common name to "Hugo Granzberg". Granzberg was the editor-in-chief of a magazine called "Science Fiction" which was active in 1926 and a few years later he chose the name "Science Fiction" for his famous magazine (Foladi, 1377: 12). Since fiction is a reflection of the changes and events of the author's era, we can point to two noticeable events and changes as the first spark of the emergence of science-fiction stories as a new style; The world's entry into the atomic age after World War II and the launch of the first space rocket by the former Soviet Union in 1957 AD (Abdul Malik, 1377: 84). These two events, as well as the industrial revolution and the invention and rapid development of new technologies, brought literature into a new stage of life, and from this point, the scientific-fantasy literary genre was formed in Western literature.

Reference

- Abdulhanan, M. (2018). *Al-khayal al-'ilmi fi al-adab al-'arabi al-mu'asir* [Science fiction in contemporary Arabic literature]. *Aqlam Al-Hind Journal*, 3(4). {In Arabic}
- Abdulmalik, A. (1998). Ma al-adab al-'ilmi? [What is scientific literature?]. *Al-Majallah*, 13, 84-89. {In Persian}
- Al-Dadisi, A. (2016). *Masarat al-riwayah al-'arabiyyah al-mu'asirah* [Paths of the contemporary Arabic novel] (1st ed.). Beirut: Mu'assasat Al-Rihab Al-Haditha. {In Arabic}

- Al-Yaseen, M. A. (2008). *Al-khayal al- 'ilmi fi al-adab al- 'arabi al-hadith fi daw' al-dirasat al-muqaranah* [Science fiction in modern Arabic literature in light of comparative studies] [Unpublished doctoral dissertation]. Baath University, Syria. {In Arabic}
- Basma Ji, S. (2010). Sihr al-khayal al-'ilmi [The magic of science fiction]. *Al-Bahithun Journal*, 42. {In Arabic}
- Fouladi Talari, K. (1998). *Anasor-e dastan-ha-ye elmi-takhyiyali ba namune-ha-i az asar: Isaac Asimov va digaran* [Elements of science fiction stories with examples from the works of Isaac Asimov and others] (1st ed.). Tehran: Nashr-e Ney. {In Persian}
- Hazzaa, H. (2011). Ta'bin Nihad Sharif ra'id adab al-khayal al-'ilmi fi al-watan al-'arabi [Eulogy for Nihad Sharif, pioneer of science fiction in the Arab world]. *Al-Dawa*. Retrieved from <http://www.masress.com/nd/ndawa>{In Arabic}
- Imran, T. (1989). *Fi al- 'ilm wa al-khayal al- 'ilmi* [On science and science fiction] (1st ed.). Damascus: Ministry of Culture. {In Arabic}
- Khanlari, J. (2016). Barrasi-ye tarikhi-ye naghsh-e takhayyol va khayal dar do dastan-e "Alf Layla wa Layla" va "Hayy ibn Yaqzan" [A historical study of the role of imagination in *One Thousand and One Nights* and *Hayy ibn Yaqzan*]. *Journal of Iranian-Islamic Historical and Civilizational Studies*, 1(1), 40–51. {In Persian}
- Qassa, M. (1999). Adabiyat-e elmi-takhyiyali dar dowre-ye bist-sale-ye akhir [Science fiction literature in the last twenty years]. *Adabiyat-e Dastani*, 51, 146–153. {In Persian}
- Scholes, R. (1996). *Afāq al-khayal al- 'ilmi* [Horizons of science fiction] (H. H. Shukri, Trans.) (1st ed.). Cairo: General Egyptian Book Organization. {In Arabic}
- Sharif, N. (1970). *Raqm 4 ya 'murkum* [Number 4 commands you] (1st ed.). Cairo: Kitab Al-Yawm. {In Arabic}
- Sharif, N. (2008). Al-khayal al-'ilmi akthar alwan al-adab itharah [Science fiction: The most exciting form of literature]. *Al-Khayal Al- 'Ilmi Journal*, 1, 6–16. {In Arabic}
- Sharif, N. (2009). Al-'ata' al-'arabi fi adab al-khayal al-'ilmi [The Arab contribution to science fiction literature]. *Al-Khayal Al- 'Ilmi Journal*, 12, 6–11. {In Arabic}
- Naemi, Z., & Mofakheri, F. (2017). Arman-shahr va zedd-e arman-shahr dar asar-e elmi-takhyiyali-e Tawfiq al-Hakim [Utopia and dystopia in Tawfiq al-Hakim's science fiction works]. *Arabic Contemporary Literature Criticism Quarterly*, 7(12), 173–194. {In Persian}